



اثر آزادسازی تجاری بر اشتغال در زیربخش های کشاورزی ایران

صدیقه نبی نیان^۱، فرحناز شهرياران^{۲*}، آسیه عزیزی^۲، حسین مهربابی بشرآبادی^۳

۱- استادیار بخش اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳- استاد بخش اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

farahnaz.shahryaran@gmail.com*

چکیده

جهانی شدن پدیده‌ای در حال گسترش و تکامل بوده و در تمام عرصه‌های زندگی مدرن امروز در جریان است؛ مهمترین و بارزترین اثر آن در اقتصاد و بازارهای مختلف اقتصادی مبتلور شده است. تأثیر بر بازار کار کشورها به طور اعم و بر اشتغال، دستمزد، رفاه و موقعیت کاری نیروی کار به طور اخص از جمله مباحث اساسی جهانی شدن می‌باشد. در این تحقیق، به منظور بررسی اثر آزادسازی تجاری بر تقاضای نیروی کار در زیربخش های کشاورزی از داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت طی دوره‌ی ۹۰-۱۳۷۵ استفاده شده است. متغیرهای اثرگذار بر تقاضای نیروی کار شامل دستمزد، موجودی سرمایه و شاخص آزادسازی تجاری در زیربخش های زراعت و باغبانی، دامپروری، شیلات و جنگلداری است. شاخص EX/GDP و IM/GDP به عنوان شاخص های آزادسازی تجاری وارد مدل شده‌اند. نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنی دار شاخص EX/GDP بر اشتغال تمام زیربخش ها می‌باشد؛ و شاخص IM/GDP بر تمام زیربخش ها به جز شیلات اثر منفی و معنی دار داشته است.

کلیدواژه‌ها: آزادسازی تجاری، تقاضای نیروی کار، زیربخش های کشاورزی



مقدمه

یکی از مباحث مهم جهان در دهه‌های اخیر، بحث اشتغال نیروی کار است. هر کشوری به دنبال افزایش اشتغال نیروی کار خود در جهت افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌باشد. به بیان دیگر، نیروی کار ابزاری مهم برای پیشرفت و توسعه کشورهاست. از سوی دیگر، در کنار توسعه اشتغال نیروی انسانی، بحث جهانی شدن نیز به‌طور گسترده در طی سال‌های اخیر مطرح شده است، به گونه‌ای که این مسائل جزء جدایی ناپذیر ابعاد توسعه‌ی یک کشور شده‌اند (رسولی نژاد و نوری، ۱۳۸۸). جهانی شدن باید خواسته‌های کارگران و خانواده‌های آن‌ها را که یک شغل شایسته، امنیت و داشتن نقشی در فرآیند تصمیم‌گیری است در همه جا برآورده سازد. مردم می‌خواهند سهم بیشتری از منافع احتمالی جهانی شدن داشته باشند. این به معنای دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر و ارتقای توسعه همراه با عدالت اجتماعی در چارچوب اقتصادهای باز و جامعه‌های باز است (آیلو، ۲۰۰۵).

بخش کشاورزی یکی از بخش‌های اقتصادی مهمی است که به رغم فراهم نبودن برخی الزامات پایه‌ای، با توجه به شرایط موجود جهانی به ناگزیر باید برای مقابله با چالش اشتغال در کشور از آن مدد گرفت. عوامل مرتبط با اشتغال کشاورزی در کشور را می‌توان به دو دسته‌ی عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد. مجموعه متغیرهای موثر در این فرآیند در قالب چهار حوزه (خرده نظام) قرار داده می‌شوند که شامل، ۱- حوزه ساختار محیطی و عوامل طبیعی مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی ۲- حوزه ساختار اجرایی و مدیریتی مشتمل بر مقررات حقوقی، مهارت‌های نیروی انسانی و روابط نیروی کار ۳- حوزه جامعه‌ای مشتمل بر جمعیت روستایی و شرایط زندگی ۴- حوزه فرهنگی شامل نگرش عمومی مردم به فعالیت‌های کشاورزی (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳).

یکی از مقولات مهم در اقتصاد کشورهای در حال توسعه - که ساختار اقتصادی آن‌ها بطور کامل در رویارویی با اقتصاد آزاد و بویژه تجارت آزاد شکل نگرفته است - نگرانی وارد شدن به اقتصاد جهانی و آزادسازی تجاری و تأثیر آن بر اشتغال و بازار کار است. این نگرانی در دو بعد در خور توجه است؛ نخست تأثیر آزادسازی تجاری بر دستمزد نیروی کار و توزیع دستمزدها بین نیروی کار ماهر و غیرماهر است و دوم؛ ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از طریق آزادسازی تجاری از یک طرف و از طرف دیگر حذف برخی از فرصت‌های شغلی که در یک اقتصاد بسته وجود دارد و لذا برآیند این دو سبب شده تا بسیاری از اقتصاددانان به مطالعات در این زمینه روی آورند (کمیجانی و قویدل، ۱۳۸۵). از این رو، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال در زیربخش‌های کشاورزی ایران شامل، زیربخش زراعت و باغبانی، دامپروری، شیلات و جنگلداری انجام گرفته است.

پیشینه تحقیق:

در داخل و خارج کشور مطالعاتی در زمینه آزادسازی تجاری و اشتغال صورت گرفته است، از جمله مطالعه جلالی اسفندآبادی و جاودان (۱۳۸۹)، است که اثر آزادسازی را بر اشتغال بخش کشاورزی ایران را بررسی



کرده‌اند. بدین منظور تابع تقاضای نیروی کار بخش کشاورزی را برای دوره‌ی زمانی ۸۶-۱۳۵۰ برآورد کرده‌اند. و از الگوهای تصحیح خطا و هم‌جمع‌ی جوهانسون و جوسیلیوس برای بدست آوردن روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده نموده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، آزادسازی تجاری در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر منفی بر اشتغال بخش کشاورزی ایران داشته است. ذوقی‌پور و زیبایی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای با استفاده از یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه، اثرات کاهش تعرفه‌های وارداتی به عنوان نمادی از آزادسازی تجاری را بر متغیرهای اشتغال، موجودی سرمایه، تولید و صادرات بخش کشاورزی بررسی کرده‌اند. داده‌های مورد نیاز الگو از ماتریس حسابداری اجتماعی سال پایه‌ی ۱۳۸۰ استخراج کرده‌اند. نتایج مربوط به شبیه‌سازی نشان داده است که کاهش تعرفه در بخش کشاورزی موجب کاهش اشتغال، موجودی سرمایه، تولید و صادرات در این بخش خواهد شد، اما کاهش تعرفه در بخش‌های غیرکشاورزی و کل بخش‌ها، اگرچه تولید را در بخش کشاورزی کاهش خواهد داد، اما موجب افزایش اشتغال و صادرات در این بخش کشاورزی خواهد شد. توکلی و همکاران (۱۳۸۶)، تأثیر آزادسازی تجاری بر بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه از صادرات محصولات کشاورزی و نرخ تعرفه وارداتی به عنوان دو شاخص جهت تعیین اثر سیاست‌های آزادسازی تجاری بر بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی طی دوره‌ی ۸۲-۱۳۴۲ و بکارگیری روش‌های OLS و تصحیح خطا (ECM) استفاده کرده‌اند. نتایج برآورد نشان داده است که سیاست‌های توسعه صادرات و کاهش نرخ تعرفه وارداتی باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی شده‌اند. همچنین سرمایه انسانی با اینکه در بلندمدت بر بهره‌وری اثر مثبت دارد ولی در کوتاه‌مدت اثر مثبت آن دارای اهمیت آماری نیست.

رانجان (۲۰۱۲)، اثر آزادسازی تجاری را بر بیکاری و نابرابری را در ایالات متحده با استفاده از داده‌های پنل بررسی کرده است. نتایج مطالعه حاکی از آن است که آزادسازی تجاری بیکاری را در بخش واردات افزایش می‌دهد و موجب افزایش اشتغال در بخش صادرات می‌شود. همچنین آزادسازی تجاری نابرابری دستمزد بین بخشی را در بخش صادرات افزایش می‌دهد اما نابرابری دستمزد بین بخشی را در بخش واردات کاهش می‌دهد. کتین و هتو (۲۰۰۹)، تأثیر آزادسازی تجاری را بر اشتغال در ویتنام طی دوره‌ی ۲۰۰۴-۱۹۹۹ با استفاده از روش سیستمی عمومی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش در تولیدات صنعتی موجب افزایش تقاضای کار می‌شود، در حالی که افزایش دستمزد منجر به کاهش اشتغال می‌شود. اثر گسترش صادرات بر تقاضای نیروی کار مشتق مثبت و معنادار است. همچنین مشاهدات تجربی نشان می‌دهد که واردات لزوماً اثر منفی بر سطح اشتغال ویتنام نداشته است.

بر اساس مطالعات انجام شده، مشخص است که آزادسازی تجاری در بخش صادرات، اشتغال را افزایش و در بخش واردات اشتغال را کاهش می‌دهد. این مطالعه با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در جذب نیروی کار در اقتصاد و همچنین روند رو به رشد آزادسازی تجاری، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که آزادسازی تجاری در زیربخش‌های کشاورزی ایران چه تأثیری بر تقاضای نیروی کار داشته است.



مدل مورد استفاده:

اگر تابع تولید برای یک بنگاه فرضی به صورت زیر در نظر گرفته شود:

$$q_i = (A_i L_i)^\alpha K_i^{1-\alpha} \quad 0 < \alpha < 1 \quad (1-2)$$

که در این تابع i نشان دهنده بنگاه، q تولید، A تکنولوژی، K موجودی سرمایه و α ضریبی است که مقدار آن بین صفر و یک است. در این تابع تولید، اثر تکنولوژی به صورت تأثیر بر نیروی انسانی نشان داده شده است. به عبارت دیگر تکنولوژی را همان بهره‌وری نیروی کار در نظر می‌گیریم، البته لازم به ذکر است که نشان دادن تکنولوژی در تابع تولید تنها تکنولوژی نهفته شده در نیروی انسانی نیست و می‌تواند مستقل یا نهفته شده در عامل سرمایه باشد و یا تکنولوژی به گونه‌های دیگری بکار گرفته شود. اما در این تحقیق به دلیل هدفی که دنبال می‌شود، یعنی نشان دادن چگونگی تأثیر تجارت بین‌الملل بر تابع تقاضای نیروی کار، از پرداختن به این نوع مسائل خودداری می‌شود.

$$\pi = P[(A_i L_i)^\alpha K_i^{1-\alpha}] - W L_i - r K_i \quad (2-2)$$

که فرض شده است بازار کالا و خدمات و بازار عوامل از شرایط رقابت کامل برخوردار هستند. نشان‌دهنده اجاره سرمایه است. با حداکثر ساختن تابع سود نسبت به دو عامل تولید L نشان‌دهنده دستمزد و W (کار و سرمایه) می‌توان تابع تقاضا برای نیروی کار را به صورت زیر بدست آورد (کميجانی و قويدل، ۱۳۸۵):

$$L_i = (\alpha_i P_i)^{\frac{1}{1-\alpha_i}} W_i^{\frac{1}{\alpha_i-1}} A_i^{-1} K_i \quad (3-2)$$

در حالت کلی تابع تقاضای نیروی کار به صورت زیر است:

$$L = F(W, Z) \quad (4-2)$$

که در این رابطه Z برداری است شامل هر آنچه که در تابع فوق به عنوان عامل ثابت در نظر گرفته می‌شود. در این مطالعه با توجه به هدف، متغیرهای نسبت صادرات به GDP و نسبت واردات به GDP به عنوان شاخص‌های معرف آزادسازی تجاری در تابع وارد شده‌اند. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق به صورت لگاریتم طبیعی و بر پایه سال ۱۳۷۶ می‌باشند که از سایت‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مرکز آمار ایران جمع‌آوری گردیده‌اند.



روش شناسی مدل:

قبل از ورود به بحث تخمین مدل، لازم است مشخص شود که آیا برای تخمین مدل می توان از روش پانل استفاده نمود، یا باید از روش ترکیبی استفاده کرد. فرضیه صفر و فرضیه مقابل آن را به طور ساده تر می توان چنین بیان کرد:

H_0 : مدل به صورت پانل قابل بررسی نیست

H_1 : مدل به صورت پانل قابل بررسی است

آماره آزمون جهت آزمون فرضیه به صورت زیر است:

$$F_{(N-1)/N.T-N-K} = \frac{(RSS_R - RSS_{UR})/(N-1)}{RSS_{UR}/(N.T-N-K)} \quad (4-2)$$

در معادله فوق N بیانگر تعداد مقاطع (در این تحقیق زیربخش ها)، T طول دوره مورد بررسی و k تعداد پارامترهای مدل است. RSS_{UR} بیانگر مجموع مربعات باقیمانده ناشی از مدل محدود نشده و RSS_R بیانگر مجموع مربعات باقیمانده ناشی از مدل محدود شده می باشد.

آزمون انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی:

برای تشخیص اینکه در برآورد مدل های پانل دیتا کدام روش (اثرات ثابت و اثرات تصادفی) مناسب می باشد، از آزمون هاسمن (۱۹۸۰) استفاده می شود. در آزمون هاسمن، فرضیه صفر و فرضیه مقابل آن به صورت زیر بیان می گردد:

$$H_0 : E(U_i, X_i) =$$

$$H_1 : E(U_i, X_i) \neq 0$$

فرضیه صفر به معنای این است که بین جمله خطا (که در برگرنده اثرات فردی است) و متغیرهای توضیحی، هیچ ارتباطی وجود ندارد و در واقع، مستقل از یکدیگر می باشند. این در حالی است که فرضیه مقابل به این معنی است که بین جز اخلاص و متغیرهای توضیحی، همبستگی وجود دارد (اشرف زاده و مهرگان، ۱۳۸۷). در صورت رد فرضیه صفر، بهتر است که از روش اثرات ثابت استفاده شود.

اگر b تخمین زننده روش اثرات ثابت و $\hat{\beta}$ تخمین زن روش تصادفی باشد، آنگاه می توان نوشت:

$$\text{Var}(b - \hat{\beta}) = \text{Var}(b) - \text{Var}(\hat{\beta}) \quad (5-2)$$



هاسمن ثابت نمود که عبارت مذکور دارای توزیع χ_k^2 می‌باشد.

$$(e-2)W = (b - \hat{\beta})' (\text{Var}(b - \hat{\beta}))^{-1} \approx \chi_k^2$$

اگر آماره محاسبه شده از این آزمون از χ_k^2 بزرگتر باشد، فرضیه صفر مبنی بر اثر تصادفی رد شده و فرض اثر ثابت پذیرفته می‌شود (سحابی و همکاران، ۱۳۹۰).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آزمون ایستایی متغیرها

در داده‌های تابلویی نیز به منظور پرهیز از وقوع رگرسیون‌های کاذب و نیز مشخص نمودن درجه‌ی جمعی متغیرها، لازم است پیش از طراحی و برآورد الگو، ایستایی متغیرهای تحقیق بررسی شود. نتایج آزمون ریشه-واحد متغیرها در جدول زیر گزارش شده است که فرض صفر در کلیه این آزمون‌ها، عدم مانایی متغیرها است.

جدول ۱. بررسی آزمون ایستایی متغیرها

متغیر	PP- Fisher	ADF – Fisher	IM, Pesaran & Shin	Levin, Lin & Chu t
آزمون ریشه واحد در سطح				
نیروی کار	۱۹/۵۱(۰/۰۱)	۱۱/۵۴(۰/۱۷)	۱/۳۸(۰/۹۲)	۲/۶(۰/۹۹)
سرمایه	۴/۶۲(۰/۷۹)	۲/۲۴(۰/۹۷)	۱/۸۱(۰/۹۶)	۰/۸۷(۰/۸۱)
دستمزد	۸/۵۶(۰/۳۸)	۵/۷۲(۰/۶۸)	-۰/۰۴(۰/۴۸)	-۳/۴۵(۰/۰۰)
سهام صادرات به GDP	۷/۶۲(۰/۴۷)	۸/۰۴(۰/۴۳)	-۰/۳۲(۰/۳۷)	-۱/۷۶(۰/۰۴)
سهام واردات به GDP	۱۰/۱۴(۰/۲۵)	۱۰/۴۲(۰/۲۴)	-۰/۶۸(۰/۲۵)	-۰/۸۳(۰/۲۱)
آزمون ریشه واحد تفاضل رتبه اول				
نیروی کار	۴۰/۷۱(۰/۰۰)	۳۸/۰۷(۰/۰۰)	-۲۵/۵(۰/۰۰)	-۴۴/۳(۰/۰۰)
سرمایه	۴۹/۱۱(۰/۰۰)	۲۷/۸۹(۰/۰۰)	-۳/۴۹(۰/۰۰)	-۴/۳۶(۰/۰۰)
دستمزد	۲۱/۲۳(۰/۰۰)	۲۱/۲۳(۰/۰۵)	-۲/۸۴(۰/۰۲)	-۴/۴۶(۰/۰۰)
سهام صادرات به GDP	۴۱/۶۱(۰/۰۰)	۳۹/۰۳(۰/۰۰)	-۵/۴۸(۰/۰۰)	-۷/۱۸(۰/۰۰)
سهام واردات به GDP	۴۴/۸۷(۰/۰۰)	۴۴/۴۳(۰/۰۰)	-۶/۳۱(۰/۰۰)	-۸/۰۵(۰/۰۰)

با توجه به آماره‌ها مشخص است که کلیه متغیرها در سطح ناپایا و با تفاضل مرتبه اول پایا شده‌اند. به عبارت دیگر متغیرها همگی دارای درجه‌ی جمعی یک $I(1)$ می‌باشند.

آزمون هم‌انباشتگی پانل دیتا

برای بررسی اطمینان از وجود ارتباط بین متغیرها، بایستی آزمون هم‌انباشتگی انجام شود. این آزمون اولین بار توسط پدرونی (۱۹۹۵) استفاده شد. آزمون‌های مختلفی از جمله Kao, Pedroni و Fisher برای بررسی ارتباط بین متغیرها وجود دارد. فرضیه صفر در این آزمون‌ها دلالت بر عدم وجود هم‌انباشتگی بین متغیرهای مدل دارد.



نتایج آزمون کائو در جدول زیر گزارش شده است. همانطور که مشخص است فرضیه صفر در سطح ۱۰ درصد رد می‌گردد و متغیرها هم‌انباشته هستند.

جدول ۲- بررسی آزمون هم‌انباشتگی مدل تقاضای نیروی کار زیربخش‌های کشاورزی

آزمون	مقدار آماره	سطح معنی داری
آماره دیکی - فولر تعمیم یافته	-۱/۳۷	۰/۰۸
واریانس جزء اخلاص	۰/۰۱۷	---
واریانس HAC	۰/۰۱	---

همچنین جهت آزمون وجود رابطه هم‌انباشتگی بین متغیرها، به شرط این که تمام متغیرها ایستا از درجه (۱) شده باشند، اگر جزء اخلاص معادله برآوردی ایستا از مرتبه صفر شود؛ می‌توان نتیجه گرفت که متغیرها هم‌انباشته هستند و وجود رابطه بلندمدت بین آن‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۳- آزمون ریشه واحد جزء اخلاص مدل تقاضای نیروی کار زیربخش‌های کشاورزی

	t-statistic	Prob
آماره‌ی ADF	-۲/۸۵	۰/۰۰
آماره‌ی آزمون	-۱/۹۷	---

با توجه به این که جزء اخلاص معادله در سطح ایستا شده است و به عبارت دیگر پایا از درجه صفر شده است، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرها هم‌انباشته هستند. نتایج این آزمون، نتیجه آزمون هم‌انباشتگی کائو را نیز تأیید می‌کند و هم‌خوانی دارد.

برآورد مدل اشتغال مربوط به بخش کشاورزی:

به منظور برآورد مدل اشتغال به صورت جزئی و به تفکیک زیربخش‌ها از روش پنل استفاده شده است. با توجه به ضرایب حاصل از برآورد مدل (جدول ۴)، تأثیر دو متغیر موجودی سرمایه و دستمزد نیروی کار بر تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی منفی و معنی‌دار است به طوری که یک درصد افزایش در میزان سرمایه تقاضا برای نیروی کار را به میزان ۰/۱۷ درصد کاهش می‌دهد. همچنین، یک درصد افزایش در سطح دستمزدها باعث کاهش ۰/۰۵ درصدی اشتغال در بخش کشاورزی می‌شود.

جدول ۴- نتایج حاصل از برآورد مدل تقاضای نیروی کار زیربخش‌های کشاورزی

متغیر	ضریب	t-statistic	اثرات ثابت	ضریب
عرض از مبدأ	۱۴/۸۱	۳۵/۳۶	زیربخش زراعت و باغبانی	۳/۰۵
سرمایه	-۰/۱۷	-۷/۸۹	زیربخش دامپروری	۱/۹۹
دستمزد	-۰/۰۵	-۳/۳۲	زیربخش شیلات	-۲/۴
EX/GDP - زراعت و باغبانی	۰/۰۸	۸/۳۷	زیربخش جنگل	-۲/۶۴
EX/GDP - دامپروری	۰/۰۳	۹/۸۲		
EX/GDP - شیلات	۰/۰۵	۲/۷۷		



۶/۳۹	۰/۰۱	EX/GDP - جنگل
-۷/۹۱	-۰/۰۳	IM/GDP - زراعت و باغبانی
-۲/۳۹	-۰/۰۳۴	IM/GDP - دامپروری
۰/۱۷	۰/۰۲۷	IM/GDP - شیلات
-۲۲/۳۶	-۰/۰۳۱	IM/GDP - جنگل
$R^2 = ۰/۹۹$		F-Statistic = ۱۱۴۸/۹۷

تأثیرات دو شاخص آزادسازی تجاری به صورت جزئی و به تفکیک زیربخش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. ضرایب متغیرهای مربوطه نشان می‌دهد که تأثیر شاخص آزادسازی EX/GDP در همه‌ی زیربخش‌ها مثبت و در سطح احتمال محاسبه شده معنی‌دار است، به طوری که یک درصد افزایش در این شاخص باعث افزایش ۰/۰۸ درصدی اشتغال در زیربخش زراعت و باغبانی، افزایش ۰/۰۵ درصدی اشتغال در زیربخش دامپروری، افزایش ۰/۰۳ درصدی اشتغال در زیربخش شیلات و افزایش ۰/۰۱ درصدی در زیربخش جنگلداری می‌شود. تأثیر شاخص IM/GDP در همه‌ی زیربخش‌ها، به غیر از زیربخش شیلات، منفی و در سطح احتمال به دست آمده معنی‌دار می‌باشد و تنها در زیربخش شیلات تأثیر این شاخص بر اشتغال بی‌معنی است. با افزایش یک درصدی شاخص IM/GDP، تقاضا برای نیروی کار در زیربخش‌های زراعت و باغبانی، دامپروری و جنگلداری به ترتیب به میزان ۰/۰۳، ۰/۰۳۴ و ۰/۰۳ درصد کاهش می‌یابد. در زیربخش شیلات به دلیل اندک بودن میزان واردات، شاخص IM/GDP تأثیر معنی‌داری بر تقاضای نیروی کار در این زیربخش نداشته است. اثرات ثابت در زیر-بخش‌ها بیانگر، کشش‌پذیری هر یک از زیربخش‌ها در جذب نیروی کار است و همان‌طور که نتایج گزارش شده در جدول ۴ نشان می‌دهند بیشترین میزان اثرات مثبت مربوط به زیربخش زراعت و باغبانی و کمترین میزان آن مربوط به زیربخش جنگلداری است.

بحث و نتیجه‌گیری:

رشد تجارت در دهه‌های اخیر تا حد زیادی ناشی از آزادسازی‌های انجام شده در راستای تسهیل تجارت جهانی بوده است. با وجود رشد در آزادسازی در جهان همواره ابهامات و سؤالاتی در زمینه آثار آزادسازی مطرح بوده است. همان‌طور که بررسی‌های انجام شده در خصوص تأثیرات دو شاخص آزادسازی تجاری (EX/GDP و IM/GDP) در قسمت قبل نشان می‌دهد، بیشترین تأثیر مثبت شاخص EX/GDP بر تقاضای نیروی کار در زیربخش زراعت و باغبانی و کمترین تأثیرات مربوط به زیربخش جنگلداری است. دلیل این امر را می‌توان وجود میزان قابل توجهی صادرات در این زیربخش‌ها دانست، به طوری که افزایش این شاخص منجر به تغییرات مثبت و افزایش در تقاضای نیروی کار شده است. در مقابل، مطابق با آنچه انتظار می‌رود، شاخص IM/GDP در سه زیر-بخش، زراعت و باغبانی، دامپروری و جنگلداری تأثیر منفی داشته است و با افزایش در مقدار این شاخص تقاضا برای نیروی کار در این زیربخش‌ها افزایش می‌یابد. اما در زیربخش شیلات با توجه به میزان اندک واردات،



مربوط به محصولات تولید شده در این زیربخش، شاخص IM/GDP تأثیری بر تقاضای نیروی کار نداشته است. با در نظر گرفتن روابط به دست آمده و تأثیرات دو شاخص در نظر گرفته شده مربوط به آزادسازی تجاری، جهت افزایش تقاضا برای نیروی کار در زیربخش‌های کشاورزی ایران پیشنهاد می‌شود که با توجه به نتایج و این امر که، شاخص‌های آزادسازی تجاری در نظر گرفته شده، از بعد صادرات تأثیر مثبت بر اشتغال دارد و از بعد واردات تأثیر منفی، دولت‌ها با اصلاحات در قوانین مربوط به تعرفه‌های تجاری با هدف افزایش میزان صادرات و کاهش واردات در بخش کشاورزی نسبت به تولید ناخالص داخلی کشور می‌توانند باعث افزایش تقاضا برای نیروی کار در زیربخش‌های مربوطه شوند. این امر منجر به تجلی آثار نهایی آزادسازی تجاری موفق از جمله، افزایش بهره‌وری، کارایی، استفاده از فناوری‌های جدید و افزایش صادرات نسبت به واردات شود.

منابع

- ۱- توکلی، امیر. میرمحمدصادقی، سید جعفر و کمری، امین. (۱۳۸۷). «تأثیر آزادسازی تجاری بر بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی ایران». اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، شماره ۲۲، جلد ۱، ص ۳۳-۲۷.
- ۲- جلالی اسفندآبادی، سید عبدالمجید و جاودان، ابراهیم (۱۳۸۹)، «تأثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی ایران». تحقیقات اقتصاد کشاورزی، شماره ۲، جلد ۴، ص ۱۵۰-۱۳۵.
- ۳- ذوقی‌پور، آمنه. و زیبایی، منصور. (۱۳۸۹)، «بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر متغیرهای کلیدی بخش کشاورزی ایران: مدل تعادل عمومی قابل محاسبه». اقتصاد کشاورزی، شماره ۳، جلد ۴، ص ۹۳-۶۷.
- ۴- رسولی نژاد، امیر. و نوری، محمد. (۱۳۸۸)، «اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال ایران». مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۸۹، زمستان ۸۸، ص ۸۷-۱۰۷.
- ۵- زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۸۳)، «ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی». اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۳، ص ۳۴-۲۱.
- ۶- سحابی، بهرام. صادقی، حسین و شوره‌کندی، عبدالله. (۱۳۹۰)، «تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی ایران به کشورهای منتخب خاورمیانه (ترکیه، امارات، عربستان، کویت، پاکستان)». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۱، جلد ۱، ص ۸۱-۱۰۰.
- ۷- کمیجانی، اکبر و قویدل، صالح. (۱۳۸۵)، «نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران». پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶، جلد ۲۰، ص ۴۲-۱۳.
- 8- ILO. (2005), « World Employment Report 2004-05: Employment, Productivity and Poverty Reduction », Geneva: International Labor Office.
- 9- Kein, T. N, and Heo, Y. (2009), « Impacts of Trade Liberalization on Employment in VIETNAM: A System Generalized Method of Moments Estimation». The Developing Economies, Vol 47, No 1, p 81-103.
- 10-Ranjan, P. (2012), « Trade liberalization, unemployment, and inequality with endogenous job destruction». International Review of Economics and Finance, No 23, p 16-29.